



خرگوش حکیم باشی

یکی بود و غیر اون یکی نبود

توی دنیا زیر گنبد کبود

راهی بود که راه آشنایی بود

شهری بود که شهر قصه هایی بود

زیر بازارچه‌ی شهر چه جایی بود؟

جای دیدنی و با صفایی بود

هرکسی کاری می کرد باری می کرد

کار پر برکت و پر باری می کرد

خرگوش حکیم باشی

اسبه کنجدا رو عصاره می کرد



موشه تخته ها رو نجاری می کرد



خرگوش حکیم باشی

خره رنده داشت و خراطی می کرد

سگه پارچه داشت و خیاطی می کرد

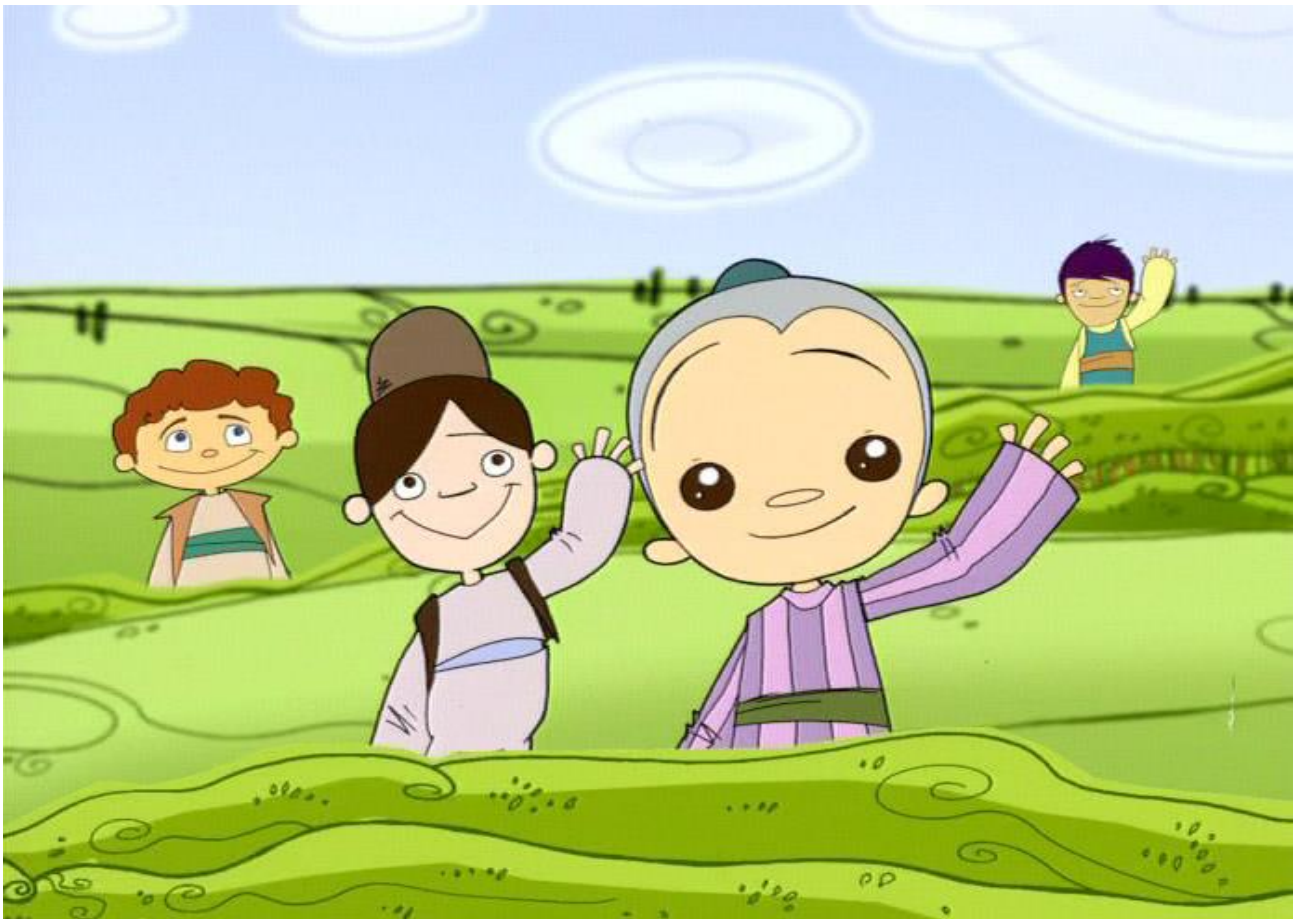




خرگوش حکیم باشی

بزه می برید و بزازی می کرد

شیطونک بچه بود و بازی می کرد





خرگوش حکیم باشی

فیل اومد کنار حوض آب بخوره

دو قلوب آب سیر و سیراب بخوره

اما وقتی لب حوض آب نشست

ناگهان افتاد و دندونش شکست

فيله گفت:

آخ و آخ و آخ دندونکم

عاجکم شکسته و خرطومکم

برسید به دادکم آخ دلکم

کسی آخر نمی آید کمکم؟



خرگوش حکیم باشی



عاج فیل وقتی ترک خورد و شکست

کی باید دندان فیله رو می بست؟



خرگوش حکیم باشی

بله پیداست کسی که رشته ی اوست

کار هر روزه و سر رشته ی اوست

حکیمک توی محل خرگوشه بود

مطبش گوشه و کنج کوچه بود

فيله رو از لب حوض نقاشی

هل دادن بردن پیش حکیم باشی

توی دالون پر پر بود از مریض

همه کس گرفته از درشت و ریز

تو اتاق انتظار سر و صدا

پیش خرگوش حکیم برو بیا



خرگوش حکیم باشی



موشه می گفت: کمرم آخ کمرم

جوجه داد می زد: امان از این سرم

تلفن تماس: ۰۵۱-۳۱۷۳۳

وب سایت: karaland.ir

شهر مشاغل کارلند



خرگوش حکیم باشی

سگه از درد دمش ناله می کرد



تلفن تماس: ۰۵۱-۳۱۷۳۳

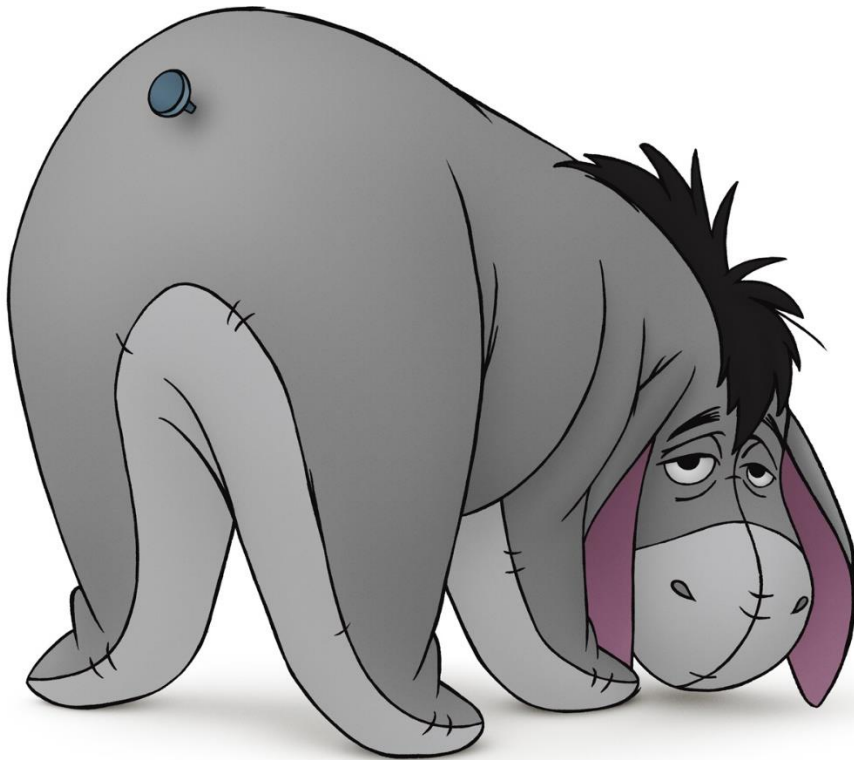
وب سایت: karaland.ir

شهر مشاغل کارلند



خرگوش حکیم باشی

خره از سوز سمش ناله می کرد



تا رسید نوبت فیل عاج سفید

که هنوز ناله می کرد داد می کشید



خرگوش حکیم باشی

حکیمک یا که جناب خرگوشک
با یه کم جوشونده و آب نمک
عاجه رو ضد عفونی کرد و شست
خوب خوب بست و بتونی کرد و گفت:
مزد دستم می شود هزار تومن
بدهید تحویل پیشخدمت من....
شیطونک وقتی که انشا مینوشت
مطلب خوبی توی انشاش نوشت
کار هر کس جای خود محترم است
مزد آن گر چه زیاد و چه کم است
از استاد عزیز مرضیه مورد گر